

کاربرد "معامله" در اعتبارات اسنادی

نوشته: دونالد اسمیت

مترجم: سعید حسینی، اداره بازرسی و حسابرسی داخلی بانک

آن است که با خرید چک وی، دوست خود را که هم اینک نیازمند پول است؛ یاری کنید. بنابراین اگر این چک برگشت شود، به دوست خود مراجعه و پول خود را مطالبه می کنید.

فرا تر از بررسی اسناد

به اعتقاد من بانک معامله کننده می تواند با توسل به اقداماتی دیگر مبادرت به ادای بهاء کند. بطور مثال با بررسی اسناد و ارایه خدمات به ذینفع. توجه داشته باشید که عبارت ادای بهاء (giving value) به اندازه واژه «معامله» غلط انداز است. قطع به یقین، دریافت اسناد توسط بانک تعیین شده و بررسی حرفه ای اسناد توسط یک چکر (Checker) ماهر همچنین اعلام مغایرت های مشاهده شده و نظایر آنها، خدمات ارزشمندی است! متأسفانه بنابه عرف رایج در برخی نقاط دنیا، بررسی اسناد نوعاً معامله تعریف شده است. بهرحال بررسی اسناد به خودی خود هر اندازه که ارزشمند باشد، بمنزله معامله نیست.

در نخستین شماره نشریه DCInsight، زمستان ۱۹۹۵ چارلز دل باستو، رییس وقت کمیسیون بانکدارای ICC به سوالی که در این زمینه مطرح شد، اینگونه پاسخ داد: "..... اگر می خواهید خود را در شمار بانک های معامله کننده طبقه بندی کنید؛ اگر می خواهید بعنوان بانک معامله کننده از حقوق و حمایت های قانونی کشور مورد نظر برخوردار شوید؛ باید کاری فرا تر از بررسی اسناد انجام دهید. باید اسناد را خریداری کنید. باید نسبت به ادای بهای اسناد اقدام کنید؛ باید بدل به "holder in due course" شوید. به اعتقاد ما این امر در اکثر حوزه های قضایی در بردارنده و متضمن انجام معامله است. متن کامل این مقاله در حوصله این بحث نیست اما مطالعه و مرور آن خالی از فایده نیست.

در دادوستدهای مبتنی بر اعتبار اسنادی، معامله (Negotiation) شاید مطلوبترین واژه ای است که سوء کاربرد و سوء تعبیرهای بسیاری از آن بعمل آمده است. در این خصوص بنده صرفاً از موضع کاربران C.A.Bه موضوع می پردازم نه بعنوان حقوقدانی که سعی دارد از بعد قانونی به این مساله بپردازد یا براساس دکترین "holder in due course"^(۱) اظهار نظر کند.

در مقررات UCP ۵۰۰ ذیل ماده ۱۰ b ii آمده: «معامله، یعنی ادای بهای برات (بروات) یا سند (اسناد) توسط بانک مجاز به معامله، صرف کنترل اسناد بدون پرداخت بهای آن، معامله تلقی نمی گردد.»
در مقررات متحدالشکل اخیر، UCP ۶۰۰ معامله به این شکل تعریف شده است:

«معامله یعنی خرید برات (صادره به عهده بانک دیگری به غیر از بانک مقرر) و/یا اسناد ارائه شده مطابق شرایط اعتبار توسط بانک مقرر، اعم از اینکه پرداخت به موقع به ذینفع انجام یا پیش از روز بانکی تعیین شده در پوشش وجه، واقع شود.»

ترکیب واژگانی ارایه مطابق (presentation Complying) در ماده ۲ UCP 600 اینگونه تعریف شده است: «ارایه ای که با مفاد شرایط اعتبار، مواد معمول این مقررات و استانداردهای بین المللی عملیات بانکی مطابق دارد.»

جامعه اعتبار اسنادی در ایالات متحده، کاربرد عملی و مرسوم «معامله» را خرید اسنادی می داند که شما مکلف به خرید آن نیستید. به بیان دیگر، این امر از بسیاری جهات شبیه وضعیتی است که دوست شما چکی را به نامتان صادر می کند و شما وجه آن را نقداً به وی پرداخت می کنید. شما نه بانک هستید و نه صادر کننده چک بلکه قصد شما صرفاً

◆ **جامعه اعتبار اسنادی در ایالات متحده، کاربرد عملی و مرسوم «معامله» را خرید اسنادی می داند که شما مکلف به خرید آن نیستید**

توسعه صادرات

سال یازدهم - شماره ۷۳
مرداد ۱۳۸۷



بانک گشایش کننده و بانک تاییدکننده

بانک گشایش کننده نمی تواند اقدام به معامله کند زیرا باید به تعهد خود تحت اعتبار یعنی، پذیرش برات، قبول تعهد پرداخت مدت دار یا پرداخت دیداری عمل کند. این موارد از تعهدات بانک گشایش کننده بشمار می آید. حتی اگر برات عهده متقاضی کشیده شود یا هیچ براتی درخواست نشده باشد، تعهد بانک گشایش کننده مبنی بر پرداخت اسناد مطابق اعتبار، کماکان به قوت خود باقی است. برخی بانک های گشایش کننده اظهار می دارند که اسناد را معامله کرده اند اما در واقع منظور این است که وجه اسناد را پرداخت کرده اند. بانک تاییدکننده نیز می تواند اقدام به معامله کند. اگر در اعتبار اسنادی بروات عهده بانک گشایش کننده کشیده شود؛ بانک تاییدکننده با خریداری بروات و اسناد عملاً مبادرت به معامله کرده است؛ البته بدون آنکه از حق رجوع به ذینفع برخوردار باشد. به این ترتیب بانک تاییدکننده زمانی معامله را انجام می دهد که برات (بروات) عهده طرف دیگری کشیده شده باشد یا آنکه اصلاً براتی در کار نباشد. چنانچه برات (بروات) عهده بانک تاییدکننده صادر شده باشد یا اگر اعتبار دیداری و فاقد برات بوده و در مقابل پرداخت نزد بانک تاییدکننده قابل استفاده باشد، آن بانک بدل به بانک پرداخت کننده (paying bank) می شود.

بانکی که بروات عهده آن صادر نشده باشد می تواند مبادرت به معامله برات (بروات) و اسناد نماید. به بیان دیگر بروات عهده طرف دیگری صادر شده و آن بانک تصمیم دارد در مقابل موعد مقرر دریافت وجه از سوی بانک گشایش کننده یا بانک تاییدکننده، با پرداخت پیش از موعد به مشتری خود (اعطای وام) تسهیلاتی را برای وی فراهم آورد. بانک بنابه اختیار خود می تواند با حق رجوع یا بدون حق رجوع اقدام به پرداخت پیش از موعد (ادای بهاء) کند. به عقیده من این مطلب مبیین معامله حقیقی در مفهوم سنتی آن است.

بانک تعیین شده جهت معامله

چنانچه بانک معامله کننده در اعتبار تعیین شده باشد یا اعتبار نزد هر بانکی آزادانه قابل معامله باشد، دارای مزیتی است که ذینفع اعتبار از آن برخوردار می شود؛ چه به این ترتیب ذینفع اجازه دارد اسناد را به بانک معامله کننده ارایه کند. ارایه اسناد مطابق اعتبار بدین گونه برای بانک گشایش کننده براساس مواد و شرایط اعتبار خودش، تعهد ایجاد می کند. ضرورتی ندارد که اسناد موعد مشخصی بدست بانک گشایش کننده برسد؛ صرف ارایه اسناد به بانک تعیین شده، مطابق شرایط اعتبار، بانک گشایش کننده را ملزم به پذیرش



◆ مزیت عمده اعتبار قابل معامله برای ذینفع، در اختیار گذاشتن اسناد نزد بانک تعیین شده در چارچوب مواد و شرایط اعتبار است تا به این ترتیب شرایط اولیه برای رسیدن اسناد به بانک مورد نظر تا موعد مقرر و در نهایت ایجاد تعهد برای بانک گشاینده فراهم شود

پرداخت می کند.

جالب است بدانید که بانک تعیین شده‌ای که اسناد ذینفع را دریافت می‌دارد، موظف به بررسی یا معامله اسناد نیست. درحقیقت ذینفع سعی دارد اسناد خود را تسلیم بانک تعیین شده برای معامله نماید. در این حالت اگر اعتبار تایید شده نباشد، آن بانک حتی موظف به پذیرش اسناد نیز نمی‌باشد! تصور آن دشوار است اما این موضوع عملاً امکانپذیر است.

امروزه بانک تعیین شده برای معامله بطور معمول اسناد را براساس مواد و شرایط اعتبار بررسی می‌کند، مغایرت‌های ملاحظه شده را به اطلاع ذینفع می‌رساند و اسناد را بمنظور پذیرش پرداخت برای بانک گشاینده یا تاییدکننده ارسال می‌دارد. توجه کنید که وصول، بررسی و ارسال توسط بانک تعیین شده برای معامله روند ارزشمندی است اما بمنزله معامله نیست. مزیت عمده اعتبار قابل معامله برای ذینفع، در اختیار گذاشتن اسناد نزد بانک تعیین شده در چارچوب مواد و شرایط اعتبار است تا به این ترتیب شرایط اولیه برای رسیدن اسناد به بانک مورد نظر تا موعد مقرر و در نهایت ایجاد تعهد برای بانک گشاینده فراهم شود.

بانک تعیین شده برای معامله که اعتبار را تایید ننموده باشد و در اعتبار بعنوان براتگیر تعیین شده باشد، با اوضاع جالبی روبروست؛ بخصوص اگر اعتبار دیداری نیز باشد. درست است که این نمونه‌ای از یک گشایش اعتبار ضعیف است اما این روزها مورد نامعمولی بشمار نمی‌آید. بانک براتگیر ممکن است تصور کند با پرسش معماگونه‌ای روبروست:

آیا اجازه معامله داریم یا خیر؟ اگر اجازه آن را داریم، به جهت آنکه برات عهده ما کشیده می‌شود آیا در واقع معامله‌کننده هستیم یا پرداخت‌کننده؟ از آنجاییکه اعتبار را تایید نکرده‌ایم، چنانچه مورد پوشش قرار نگیریم آیا حق

رجوع به ذینفع یا هرگونه تقاضای جبران برای ما محفوظ است یا خیر؟ گرچه برای جبران، حق رجوع عامل مهمی است اما لزوماً تنها راه موجود بشمار نمی‌آید. چنانچه اسناد مطابق مواد و شرایط اعتبار باشد، آیا به جهت آنکه برات بصورت دیداری عهده ما کشیده شده موظف می‌شویم پرداخت را به ذینفع انجام دهیم؟ یقیناً این قبیل سوالات برای وکلا مطرح است نه عموم کاربران اعتبار اسنادی!

اعتبارات مستقیم در برابر اعتبارات قابل معامله

روش دیگری که پشتوانه کمتری برای ذینفع به دنبال دارد گشایش اعتبار مستقیم است. در این حالت طبق دستورالعمل بانک گشاینده، اسناد باید به همان بانک ارایه شود و بانک معامله‌کننده به این منظور تعیین نمی‌گردد. ذینفع بمنظور برخورداری از حمایت‌های لازم، باید اسناد مطابق اعتبار را ظرف مهلت مقرر به محل تعیین شده، ارسال دارد.

ذینفع با فراست متن اعتبار را با توجه به شرط تعهد پرداخت مطالعه می‌کند و به دنبال پاسخی برای سوالات ذیل است:

در این اعتبار چه کسی پرداخت را تعهد کرده است؟ اسناد خود را به کجا و تا چه تاریخی باید ارایه کنم؟ شرط تعهد پرداخت ممکن است به اشکال ذیل قید شده باشد:

“We hereby engage with drawers, endorsers and bona fide holders of drafts and complying documents drawn hereunder that the same will be dully honored by us if negotiated on or before ...”

یا

“we undertake with the beneficiary and nominated banks that documents negotiated...”

یا



“we agree with you that documents strictly complying to the terms and conditions...”

دو مورد اول نمونه‌ای از شرط تعهد پرداخت در اعتبارات قابل معامله و سومی ویژه اعتبارات مستقیم است. در اعتبار مستقیم تعهد گشاینده مستقیماً متوجه ذینفع است و هیچ بانکی جهت معامله اسناد تعیین نمی‌شود. ذینفع با تجربه می‌داند که در صورت تردید، پیش از هر اقدامی برای تولید و حمل کالا می‌بایست جهت روشن شدن مسایل، پرس و جوهای لازم را بعمل آورد.

اغلب جای تعجب است که چرا ذینفع با ارسال کالای خود تحت اعتبار مستقیم موافقت می‌کند. حتی در این برهه که ارسال مراسلات در سطح جهانی یک شبه انجام می‌گیرد، چه کسی می‌تواند تضمین نماید که اسناد ظرف مهلت مقرر بدست گشاینده اعتبار در محل تعیین شده برسد؟ شاید اعتبار مستقیم اصلی‌ترین عامل استفاده از رایه الکترونیکی در چارچوب مجموعه مقررات الکترونیکی متحدالشکل eUCP باشد. این متمم الکترونیکی مجموعه مقررات UCP ۵۰۰ اول آوریل سال ۲۰۰۲ به اجرا درآمد و با اینکه بنحو سنجیده‌ای تدوین شده بندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آیا گشایش اعتبار مستقیم بانک را از معامله اسناد (ادای بقاء) با ذینفع باز می‌دارد؟ مسلماً خیر! بانک می‌تواند در برابر وجه قابل دریافت در آینده، پیشاپیش آن را به مشتری خود پرداخت کند. تفاوت موجود در سطح پشتوانه‌ای است که ذینفع از آن برخوردار می‌شود. چنانچه بموجب اعتبار معامله مجاز نباشد، اسناد باید تا موعد مقرر بدست طرف اشاره شده برسد تا برای بانک گشاینده ایجاد تعهد کند. قدر مسلم بانکی که تحت این سناریو تصمیم به معامله اسناد می‌گیرد ترجیحاً می‌خواهد بانک تعیین شده باشد (تا معامله‌کننده اسناد تحت اعتبار مستقیم) تا به این ترتیب از حقوق اختصاص یافته تحت مقررات UCP 600 برخوردار شود.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در معامله، شما در برابر اسنادی که به اعتقادتان مطابق با مواد و شرایط اعتبار است، وجه اسناد را پیشاپیش به ذینفع پرداخت می‌کنید یا چنین اقدامی را تعهد می‌کنید. عبارتهایی بدین مضمون که «به محض دریافت وجه از بانک گشاینده یا بانک پوشش‌دهنده، پرداخت وجه به شما انجام می‌گیرد» متضمن معامله نیست. بانک‌ها معمولاً بمنظور معامله توافقاتی را با ذینفع بعمل می‌آورند که بموجب آن نوع معامله اعم از داشتن حق رجوع یا عدم حق رجوع به ذینفع مشخص می‌شود. چنانچه توافق موید حق رجوع باشد، موارد حق رجوع اعم از: ریسک تجاری (بطور مثال عدم دریافت پوشش مقرر ظرف چند روز معین از جانب بانک گشاینده) ریسک کشور یا ریسک بررسی اسناد نظیر اختلاف با گشاینده اعتبار بر سر مطابقت اسناد و نظایر آن باید مشخص شده باشد.

تاکنون انواع بسیاری از توافقنامه‌های معامله را ملاحظه نموده‌ام. در برخی این موضوع که ذینفع اسناد مطابق شرایط اعتبار را تسلیم بانک نماید، مورد تأکید است؛ برخی فاقد هرگونه اشاره به این موضوع هستند؛ بعضی از آنها از

بانک معامله‌کننده، بررسی سطحی و کلی اسناد را تقاضا می‌کند، برخی تقاضا دارند بمحض ارائه اسناد، بانک معامله پیش از موعد پوششش، مبادرت به پرداخت وجه نماید. این توافقنامه‌ها در اشکال و حجم‌های مختلف وجود دارند.

در حقیقت معامله نوعی وام است و توافقنامه معامله، سند اعطای وام که در آن شرایط وام و بازپرداخت آن مشخص شده است. در نسخه اخیر مجموعه مقررات متحدالشکل اعتبار اسنادی UCP 600 این موضوع بطور شفاف مطرح شده است. امید است مفهوم معامله برای ما و کسانی که به رویه‌های حاکم ایمان دارند، به تذهیب و پالایش لازم برسد. بدیهی است «ایمان» اغلب اعتقاد داشتن به امور نادیده تعریف می‌شود؛ به خصوص در مواردیکه مدرک مستدلی در کار نباشد. ■

پاورقی:

۱- به دارنده‌ای اطلاق می‌شود که سند قابل معامله‌ای را که ظاهراً فاقد هرگونه ایراد است خریداری و وجه آن را پرداخت نموده است چنین دارنده‌ای که از روی حسن نیت بدون بدگمانی نسبت به فاقد ارزش بودن سند، طرح ادای شخص یا اشخاص دیگر، سررسید مهلت پرداخت و خودداری بانک از پرداخت ارزش آن در گذشته مبادرت به خرید سند قابل معامله نموده و از حق مطالبه وجه از دارنده قبلی یا صادرکننده سند برخوردار است.